

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۹ بهمن ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۳

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط دوازدهم؛ لزوم نیت

سال تحصیلی: ۹۷-۹۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه شرط دوازدهم از شرائط وضو نوشته است: «و لا یلزم التلفظ بالنیة، بل و لا إخطارها بالبال، بل یکفی وجود الداعی فی القلب بحیث لو سئل عن شغله، یقول أتوضاً مثلاً و أمّا لو کان غافلاً بحیث لو سئل، بقى متحیراً فلا یکفی و إن کان مسبوقاً بالعزم و القصد حین المقدمات و یجب استمرار النية إلى آخر العمل فلو نوى الخلاف أو تردد و أتى ببعض الأفعال، بطل إلا أن يعود إلى النية الأولى قبل فوات الموالاة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، لازم نیست که نیت به زبان آورده شود، بلکه لازم نیست که شخص نیت را به قلب و ذهن خود خطور دهد، بلکه وجود داعی در قلب شخص، به گونه‌ای که اگر از مشغولیتش سؤال شود، او مثلاً می‌گوید که من وضو می‌گیرم، کفایت می‌کند و اما اگر او غافل باشد، به گونه‌ای که اگر سؤال شود [که به چه مشغولی]، متحیر باقی می‌ماند، کفایت نمی‌کند؛ هرچند که در هنگام مقدمات، مسبوق به عزم و قصد بوده است [، یعنی او هنگام فراهم کردن مقدمات وضو، مثل فراهم کردن آب، توجه داشته است] و استمرار نیت تا آخر عمل واجب است. پس اگر شخص نیت خلاف کند یا تردد کند و بعضی از افعال را [در حال تردد یا خلاف نیت] انجام بدهد، وضو باطل است مگر اینکه قبل از به هم خوردن مولات، به نیت اولی برگردد.

عدم لزوم تلفظ نیت، امری اتفاقی بین علماست و صریح جماعتی نیز بر همین مطلب دلالت دارد که گفته‌اند که تلفظ نیت علاوه بر اینکه وجوب ندارد، استحباب نیز ندارد. مرحوم شهید (ره) اول در کتاب ذکری فرموده است که بر عدم استحباب تلفظ نیت اجماع وجود دارد.

دلیل عدم لزوم تلفظ نیت، تمسک به اطلاق و سیره و اصل عدم لزوم تلفظ است. مرحوم شهید اول (ره) این مطلب را در کتاب ذکری مطرح کرده است.^۲ پس تلفظ نیت، لزوم و استحباب ندارد.

همچنین، گفته‌اند که خطور دادن نیت به ذهن نیز لازم نیست، لکن به مشهور نسبت داده شده است که مشهور گفته‌اند که نیت معتبر در عبادات عبارت از یک اراده تفصیلی است که به آن صورتی متعلق است که در قلب خطور می‌کند، لکن دلیلی بر این مطلب وجود ندارد که نیت باید به قلب خطور داده شود. اما دلیل اینکه اخطار نیت به ذهن لازم نیست، اصالة عدم لزوم است و از باب تمسک به اطلاق گفته می‌شود که اخطار به ذهن نیز لازم نیست و چون دلیلی بر لزوم اخطار به ذهن وجود ندارد، شک می‌شود و با تمسک به اصل عدم لزوم به عدم وجوب اخطار نیت به ذهن حکم می‌شود و وجود داعی در قلب کفایت می‌کند، یعنی مکلف

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۷.

۲. شهید اول، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲، ص ۱۰۶.

متوجه باشد که مشغول چه چیزی است؛ به نحوی که اگر از او سؤال شود که چه می‌کنی، متوجه باشد که مثلاً وضو می‌گیرد و متحیر و سرگردان نباشد.

دلیل کفایت وجود داعی در قلب برای انجام فعل این است که عقلای عالم وقتی می‌خواهند که فعلی را انجام بدهند، اراده انجام آن را به زبان نمی‌آورند، بلکه به ذهن نیز خطور نمی‌دهند، بلکه همین مقدار که اگر از آنها سؤال شود، چه می‌کنید، متوجه باشند، کفایت می‌کند.

همچنین، ردع و منعی از ناحیه شارع وارد نشده است لذا سیره عقلائیّه مورد امضاء و تأیید شارع نیز می‌باشد و شارع نیز این سیره عقلائیّه را پذیرفته است.

بنابراین، همان مقداری که توجه را برساند و شخص متوجه باشد که مشغول وضو گرفتن است، کافی است و تلفظ نیت به زبان و همچنین، خطور آن به ذهن لازم نیست.

مطلب بعد که مرحوم سید (ره) به آن اشاره کرده است، این است که استمرار نیت تا آخر عمل واجب است لذا اگر شخص نیت خلاف کند یا تردّد کند یا بعضی از افعال را [در حال تردّد و خلاف نیت] انجام بدهد، وضو باطل است مگر اینکه قبل از به هم خوردن موالات، به نیت اولی برگردد.

نیت به حسب اعمال مختلف، مختلف می‌شود؛ گاهی بعضی از اعمال، بسیطند؛ مثل روزه که امری بسیط است و عبارت از امساک از اذان صبح و طلوع فجر تا غروب آفتاب و اذان مغرب است. در این مثال، اگر شخص نیت خلاف کرد یا در بین روز حالت تردّد پیدا کرد، روزه او باطل می‌شود.

نکته: در این موضوع مورد بحث، بعضی از اعمال قابل تدارک است و اگر شخص نیت خلاف کرد یا تردّد کرد، می‌تواند آن را اعاده کند و مثلاً دوباره بخشی از وضو را از سر بگیرد، ولی بعضی از اعمال، مثل روزه یک امر پیوسته است که انسان در هر لحظه از لحظات طول روز باید امساک داشته باشد و قابل تدارک نیست [چون آن لحظه که بگذرد، قابل برگشت نیست] لذا اگر یک جزئی از اجزاء آن دچار مشکل شود، روزه باطل می‌شود.

دلیل ابطال روزه در فرضی که شخص نیت خلاف کند یا حالت تردّد پیدا کند، به سبب وجود مانع [قصد افطار مفطر است] نیست تا گفته شود که قصد افطار، مفطر نیست لذا نمی‌توان به بطلان روزه حکم کرد، بلکه علت بطلان روزه در فرض مذکور، این است که مقتضی و شرط صحت وجود ندارد؛ هرچند که در یک لحظه آن شرط از بین رفته باشد چون نیت روزه باید تا پایان روز باقی باشد. اگر در یک لحظه این شرط منتفی شود، مشروط که روزه باشد نیز منتفی خواهد شد. بنابراین، حکم به بطلان روزه در فرض مذکور، از این باب نیست که قصد افطار، مفطر است، بلکه از این باب است که شرط صحت منتفی است و وقتی شرط منتفی باشد، مشروط نیز منتفی می‌شود و فرض این است که روزه در آن روز قابل تدارک نیست چون آن لحظه‌ای که نیت دچار مشکل شده است، قابل برگشت و تدارک نیست.

اما بعضی از اعمال، مرکبند؛ مثل وضو که مرکب از غسلتین و مسحتین است. اگر شخص در اثناء وضو از نیت وضو عدول کند و موالات نیز به هم نخورده باشد، وضویش باطل نمی‌شود و شخص می‌تواند دوباره آن بخشی که از نیت عدول کرده است را تدارک

کند و دوباره انجام بدهد و وضویش صحیح است. اما اگر بعد از اینکه از نیت عدول کرد، موالات به هم بخورد، وضو باطل می‌شود. اگر شخص در اثناء وضو تردد کند نیز مطلب از همین قرار است که ذکر شد. نماز نیز از واجبات مرکب است. دو فرض در رابطه با نماز قابل تصویر است.

فرض اول، اینکه شخص نمازگزار بعضی از اجزاء را در حال عزم بر خلاف، اتیان کند، یعنی از ابتدا نیت نماز کرده است، ولی در یک جزء از اجزاء نماز نیت خلاف کند یا حالت تردد برای او حاصل شود، مبنی بر اینکه نماز را ادامه بدهد یا ادامه ندهد که در این صورت، نماز او باطل است زیرا اگر آنچه که در حالت تردید یا عزم بر خلاف انجام شده است، اعاده و تدارک نشود، از نماز شمرده نمی‌شود لذا نماز فاسد می‌شود چون تقیصه در نماز پیش آمده است و یک بخشی از آن کم شده است، اما اگر او برگشت و آن مقداری را که در حالت عزم بر خلاف یا تردد اتیان کرده است، تدارک و اعاده کرد نیز نمازش باطل می‌شود زیرا در این صورت، زیادی در نماز لازم می‌آید و به دلیل زیاده به بطلان نماز حکم می‌شود.

فرض دوم، این است که شخص نمازگزار در حال عزم بر خلاف، یا تردد، جزئی از نماز را اتیان نکند، یعنی شخص در حالی که عزم بر خلاف کرده یا حالت تردد برای او حاصل شده است، ذکری از اذکار نماز را نمی‌گوید یا فعلی از افعال نماز را انجام نمی‌دهد؛ مثلاً بعد از اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» را گفته است، مکث می‌کند چون برای او حالت تردد حاصل شده یا عزم بر خلاف کرده است که در این صورت، اگر برای گفتن ذکر بعدی [الحمد لله رب العالمین] از نیت خلاف برگردد یا از حالت تردد برگردد و موالات به هم نخورد، نمازش صحیح است، اما اگر مکث صورت گرفته طولانی شود و موالات به هم بخورد، به بطلان نماز حکم می‌شود و همچنین، اگر قاطعی از قواطع نماز، مثل استدبار از قبله [پشت به قبله کردن] یا اتیان به فعل کثیر پیش آید که صورت نماز را به هم بزنند، به بطلان نماز حکم می‌شود و در این فرض، بحث اکوان متخلّله تأثیری در این حکم ندارد.

نکته: بحثی بین فقها مطرح است که آیا اکوان متخلّله [مکث‌های] بین اجزاء نماز، صلاة شمرده می‌شوند یا صلاة نیستند؟ اگر اکوان متخلّله جزء یا اجزاء نماز باشند و صلاة شمرده شوند، در فرض مذکور که با قصد خلاف یا با تردید بوده‌اند، موجب بطلان نماز می‌شوند چون جزء یا اجزائی از نماز با قصد خلاف یا با تردید بوده است و اگر صلاة شمرده نشوند، در فرض مذکور، موجب بطلان نماز نمی‌شوند؛ البته در صورتی که موالات به هم نخورد.

«الحمد لله رب العالمین»